



مینا جعفرزاده، مادر و مادر بزرگ مهربان و خوشرویی تلویزیون که بیشتر به نام «خاله خانم» او را می‌شناسیم این روزها به خاطر نقش‌های کوتاهی که به او پیشنهاد می‌شود کمی از قاب تلویزیون دور شده است. او می‌گوید: یادش بخیر چه سریال‌های خوبی بازی کردم؛ همیشه نقش اصلی بودم و هیچ وقت هم در حاشیه نبودم.

جعفرزاده در گفت‌وگویی با ایسنا که سه بهانه روز مادر انجام گرفت، درباره حال این روزهایش و همچنین دلیل دوری از تلویزیون صحبت کرد. او در ابتدا می‌گوید: «خدا را شکر الحمدالله خوب هستم اما کمی دیابت اذیتم می‌کند و مرتب باید مراقبت کنم. مدتی است چشم‌مم ضعیف‌تر شده است، هم سنم بالاتر رفته و هم گرفتاری‌های جسمی زیاد شده‌اند ولی باز هم خدا را شکر. ممنون از اینکه به یادم بودید.»

**دوست دارم برای مردم خدمت کنم**

بازیگر سریال‌های «هتل پیساده رو»، «خاله خانم»، «زیر آسمان شهر»، «تفنگ سپر» و «بارده رنج» درباره اینکه آیا همچنان پیشنهادی برای بازی در تلویزیون به او می‌شود؟ اظهار می‌کند: فعلاً کار نیست، یکی دو پیشنهاد شد اما خیلی کوتاه بودند و من نمی‌خواستم بذیرم به همین دلیل منظرم ببینم اگر کار خوبی پیشنهاد شود حتما هستم؛ چرا که نه. من دوست دارم برای مردم خدمت کنم و همیشه حضور داشته باشم.او ادامه می‌دهد: سال گذشته در سریال «پوبت لیلی» به کارگردانی روح الله حجازی ایفای نقش کردم که از طریق شبکه نمایش خانگی پخش شد.جعفرزاده سپس با تبریک روز مادر و ولادت حضرت فاطمه زهرا(س) می‌گوید: من خودم یک دختر دارم و مادر

**مینا جعفرزاده:**

# دعا می‌کنم همیشه سایه مادرها بالای سر فرزندان بماند



هستم. این روز را به همه مادران سرزمینم تبریک می‌گویم. ان شاءالله که همیشه سایه بالای شانی سر فرزندانشان باشد. همیشه شنیده ایم که بچه از بی مادری یتیم می‌شود نه از پدر و واقعا هم همین طور است. دعا می‌کنم همیشه سایه مادرها بالای سر فرزندان بماند. حتی اگر خیلی هم سن فرزندان بالا برود، باز هم برای مادرشان بچه اند و نیاز به مادر دارند. از ته دل این روز را تبریک می‌گویم.

**هیچگاه در حاشیه نبودم**

او سپس به نقش‌های کوتاهی که پیشنهاد می‌شود اشاره

می‌کند و می‌گوید: اخیرا کارهای زیادی به من پیشنهاد شد اما نقش‌ها در حد سه چهار روز بود که من قبول نکردم. فقط یک کار کوتاه پذیرفتم که به کارگردانی شهرام عبدلی بود آن هم به خاطر ارادتی که هر دو به هم داریم پذیرفتم

تا کارش راه بیفتد. از خرداد ماه امسال دیگر برای تلویزیون کاری نکردم. خیلی هم با خودم کلنجار رفتم اما به این نتیجه رسیدم نه از لحاظ مالی برایم ارزش دارند و نه کاری بودند که ببیننده داشته باشند. من در گذشته سریال‌های خوبی بازی کردم. یادش بخیر همیشه هم نقش‌های اصلی

**گزارشی از آمار فروش فیلم‌های روی پرده سینماها**

## «ملاقات خصوصی» و «چپ راست» را چند نفر دیده‌اند؟

عادی سینما می‌توانست مخاطب جذب کند، هنوز برمخاطب نشده است.

فیلم کم‌دی سیاسی «چپ راست» هم که بیش از یک سال را در انتظار اکران به سر می‌برد سرانجام در حالی از چهارشنبه (۲۱ دی‌ماه) روی پرده سینما رفته که می‌توانست فروش بیشتری از ۳۴۰ میلیون تومان در روزهای ابتدایی اکرانش داشته باشد.

این فیلم‌ها در شرایطی در آستانه برگزاری جشنواره فیلم فجر اکران شده‌اند که مثل

دیگر فیلم‌های روی پرده تبلیغات خاصی ندارند.

در حال حاضر سه فیلم پرفروش امسال سینماها، «انفرادی»، «سگ‌بند» و «علفزار» هستند که اکران این فیلم‌ها سه همره «تی‌تی» و «چند می‌گیری گریه کنی «۲ طبق اعلام شورای صنفی نمایش از روز ۲۱ دی به پایان رسید. در بین فیلم‌هایی که چند ماه است روی پرده هستند، دو فیلم «بلبل» و «دوزیست» می‌مانند که فعلا در سالن‌های فوق‌العاده و در سینماهایی که بیش از پنج سالن دارند به اکران ادامه می‌دهند.



تماشای این دو فیلم نشده‌اند.

به گزارش ایسنا، از نیمه دی‌ماه فیلم «ملاقات خصوصی» که سال گذشته در جشنواره فجر رونمایی شد و در صدر آرای مردمی (تسا پیش از حذف جایزه سمیرغ بهترین فیلم از نگاه تماشاگران) قرار داشت به اکران درآمد است ولی آن‌طور که در شرایط

دو فیلم «ملاقات خصوصی» و «چپ راست» در شرایطی روی پرده سینماها نمایش داده می‌شوند که پیش‌بینی می‌شد به رونق دادن گیشه کمک کنند اما آمار فروش این فیلم‌ها در روزهای ابتدایی اکران که تبلیغاتی هم ندارند، وضعیت دیگری را نشان می‌دهد؛ چراکه تاکنون فقط حدود ۷۰ هزار نفر به

## جایزه «جلال آل احمد» چقدر پذیرای زنان است؟

تیبین‌شده عدول کند.البته محمد قائم‌خانی، نامزد و شرکت‌کننده در جایزه جلال با کتاب «صور» در رده نامزدهای این‌جا جایزه قرار گرفته است، می‌گوید: مهمترین نقطه ضعف جایزه جلال علی‌رغم کوششی که برای بهتر شدن روند این جشنواره می‌کنند، این است که شخصیت جلال همچنین برای مردم مخفی است و نتوانسته‌اند شخصیت جلال را در ابعاد مختلف تبیین کنند پس این خلاء وجود دارد. به نظر می‌رسد درباره تبیین شخصیت و آثار جلال کار زیادی ترتیب داده نشده است؛ در حالی که جایزه‌ای به نام جلال وجود دارد.

او خاطر نشان می‌کند: با توجه به اینکه سایر محافل ادبی به سراغ جلال و آثارش نمی‌روند به نظر می‌رسد شخصیت نویسندگی جلال از دید افکار عمومی و نویسندگان جوان‌تر مغفول مانده و بیشتر مجادلات سیاسی وی برجسته شده است. محمد قائم‌خانی معتقد است، «در کنار بررسی آثاری که هر سال به دست جشنواره می‌رسد بهتر است برای خود جلال نیز بخش ویژه‌ای قائل شوئند تا علاوه بر تبیین شخصیت جلال و معرفی آثارش، راهبرد مهمی برای تقویت و ارتقای فضای نویسندگی کشور باشد؛ ضمن این‌که این رویکرد باعث می‌شود مظلومیتی که بر شخصیت و آثار جلال تحمیل شده از بین برود.» اما فارغ از مباحثی که تاکنون درباره جایزه جلال مطرح شده، در ادامه نگاهی خواهیم داشت، بر مبحث «میزان و کیفیت حضور بانوان در این رویداد» هفته گذشته در نشست خبری جایزه جلال

نامزدهای این دوره معرفی شدند که با نگاهی به اسامی، به اضماع آمار سال‌های پیش، مشخص است سهم زنان در بین منتخبان هنوز اندک است. با این‌که سال به سال جامعه بانوان در زمینه نویسندگی و ادبیات فعال‌تر می‌شوند و کتاب‌های موفق‌ی در حوزه مستندنگاری، نقد ادبی و داستان می‌نویسند اما در جایزه جلال همچنان تعداد زنان نویسنده که به مراحل پایانی راه می‌یابند به نسبت نویسندگان مرد کمتر است. در تحلیل ماجرا شاید به گزینیهایی چون نوبیا بسون جامعه ادبیی زنان ایران و یا مسوولیت‌های زنان در امر تربیت فرزندان، خانه‌داری، محرومیت از آموزش و … برسیم و اینکه شاید خانم‌ها فرصت کافی برای تولید مکرر کتاب به نسبت آقایان ندارند. ضمن اینکه اگر شناسن حضور در بخش جوایز را مانند مسابقات قرعه‌کشی در نظر بگیریم، تعداد بیشتر، شانس موفقیت بیشتری را به دنبال خواهد داشت؛ هرچند این نظر مبتنی بر کمیت و تعداد است و بر اساس نسبت جنسیتی، نه بر اساس کیفیت آثار.

اما در پاسخ به این موارد می‌توان گفت، اگر آثاری در دست باشد که نشان بدهد از میان آثار ارسال شده به این جشنواره مثلا ۲۰ درصد متعلق به بانوان بوده، بخشی از فرض درست از آب درمی‌آید که شانس ۸۰ درصد بیشتر از ۲۰ درصد است و حال آن‌که چنین اعداد و ارقامی در دسترس نیست. بنابراین به فرضیات تکیه نمی‌کنیم و فقط به عنوان یکی از احتمالات در نظر می‌گیریم. ضمن اینکه فراموش نکنیم مردان هم گرفتاری‌ها و

آمار فروش فیلم‌های روی پرده و تعداد مخاطبانشان براساس اطلاعات سامانه سما تا ظهر روز جمعه ۲۳ دی‌ماه به شرح زیر است:
«انفرادی» به کارگردانی مسعود اطیابی: ۲ میلیون و ۴۳۴ هزار تماشاگر و ۷۷ میلیارد و ۵۸۶ میلیون تومان فروش
«سگ‌بند» به کارگردانی مهران احمدی: یک میلیون و ۳۱۶ هزار نفر تماشاگر و ۴۲ میلیارد و ۱۴۷ میلیون تومان فروش
«علفزار» به کارگردانی کاظم دانشی: ۶۴۷ هزار نفر تماشاگر و ۲۲ میلیارد و ۱۱۲ میلیون تومان فروش

«بلبل» به کارگردانی نرگس آبیار: ۶۴۱ هزار نفر تماشاگر و ۲۰ میلیارد و ۲۴۲ میلیون تومان فروش
«دوزیست» به کارگردانی بسروز نیک‌نژاد: حدود ۶۱۲ هزار نفر تماشاگر و ۱۹ میلیارد و ۶۳۰ میلیون تومان فروش

انیمیشن «پسر دلفینی» به کارگردانی محمد خیراندیش حدود ۸۰۴ هزار نفر تماشاگر و ۲۰ میلیارد و ۶۰۳ میلیون تومان فروش

داشتم و هیچگاه در حاشیه نبودم. الان همین در حاشیه بودن‌ها را به دو دلیل قبیول نمی‌کنم. اول اینکه از لحاظ مالی ارزش ندارند و دوم اینکه کارهایی نبودند آدم وقتش را صرفشان کند. این بازیگر تاکید می‌کند: وقتی لذتی از کار برده نشود به نظرم بی‌فایده است. خدا را شکر شرایطم هم به گونه‌ای نیست که نیازی به لحاظ مالی داشته باشم تا مجبور شوم کارها را قبول کنم. اگر کار، کاری باشد و نقش، نقشی باشد که ارزش داشته باشد، آدم حتی ۴۸ ساعت هم پشت سر هم کار می‌کند و شسب و روز نندارد اما برخی کارها واقعا ارزش ندارند.

انتظار نقش اصلی نداریم اما …

مینا جعفرزاده صحبت‌هایش را اینگونه پایان می‌دهد: سن و سالمان بالا رفته و واقعا هم دیگر نقشی به غیر از مادر و مادر بزرگ برای ما مانده است، انتظاری هم نداریم که نقش‌های اصلی را بازی کنیم؛ چون اولاً باید جوانان در دسترس باشند و دوم اینکه کار ارزش داشته باشد و یک پیام خوب برای بیننده داشته باشد آن وقت است که حتی اگر نقش اصلی هم نباشند، پذیرفتنش لذت دارد. آرزوی سلامتی دارم برای همه مردم و همچنین شما. این عید را به همه تبریک می‌گویم. در پناه حق باشید.

مینا جعفرزاده زاده ۱۵ بهمن ۱۳۲۵ شهرستان خوی بازیگر و همسر زنده یاد بهمن زرین پور، کارگردان سینما و تلویزیون است.

از نقش‌های او می‌توان به بازی در فیلم سینمایی «خراجی‌ها» و سریال «نبرده رنج» و «زیر آسمان» شهر اشاره کرد.

انیمیشن «لوپتسو» به کارگردانی عباس عسگری با ۵۴۴ هزار نفر تماشاگر و ۱۳ میلیارد تومان فروش
«بخارست» به کارگردانی مسعود اطیابی: ۶۱۷ هزار نفر تماشاگر و ۱۹ میلیارد و ۶۷۵ میلیون تومان فروش
«جزیره فاسی» به کارگردانی سید جوادهاشمی: ۲۰ هزار و ۳۶۵ نفر تماشاگر و ۸۸۰ میلیون تومان فروش
«طبقه یک و نیم» به کارگردانی نوید اسماعیلی: حدود ۲۶ هزار و ۸۰۰ میلیون تومان فروش

«ملاقات خصوصی» به کارگردانی امید شمس: ۶۰ هزار نفر تماشاگر و دو میلیارد تومان فروش
«چپ راست» به کارگردانی حامد محمدی: ۹ هزار و ۴۷ نفر تماشاگر و حدود ۳۴۰ میلیون تومان فروش
در حال حاضر کل فروش سینمای ایران در سال ۱۴۰۱ به حدود ۳۴۰ میلیارد تومان رسیده و تعداد تماشاگران آن از ۱۱ میلیون نفر گذر کرده است.



مشغله‌های خود را در امور زندگی دارند و باز صد البته زنانی بوده‌اند که با همین شرایط، از لیبلا نظری گیلاتند در بخش ویژه دیده شد. سال رشد کمی و کیفی در میان این قشر دیده می‌شود. تحلیل‌ها را که می‌تواند متعدد باشد به عهده خواننده می‌گذاریم. اما حضور بانوان به‌صورت جدی چه در مراحل اولیه و چه در بخش پایانی و نیز در میان داوران و هیات علمی قابل توجه است. همچنان که وجهیه سامانی، منیره آرمین و مریم حسینی در دوره‌های مختلف به عنوان دبیر علمی جشنواره انتخاب شدند و نیز ناמהایی چون بلقیس سلیمانی، مریم حسینی، مریم برداران، مریم بصیری و راضیه تجار در میان اعضای هیأت علمی ادوار مختلف به چشم می‌خورد.

مریم حسینی، سیده اعظم حسینی و حبیبه جعفریان در کنار بانوان دیگری از داوران پانزده دوره گذشته بوده‌اند. که البته باز هم این میزان به نسبت تعداد آقایان درصد بسیار کمی است.

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

دوره چهاردهم، کتاب «آلبر کامو در ایران»

نکته
<b>مادران هوش عاشقانه جهان را ارتقا می‌بخشد</b>
<span></span> <p>مینا نبئی</p>
<p>مادرم، هوش عاشقانه جهان را ارتقا می‌بخشد. مادرم، فاتح بی‌ادعای سرزمین مهربانست. مادرم، نقاش است. نقاشی چیره‌دست و عاشق. مرا که در آغوش می‌کشد، آبروی رنگ و بوم و قلم می‌شود.</p> <p>مادرم، همه نوراست و ششور و غرور، بزرگ و عاشق و مومن. بهشت، مفتخر از خاک پای اوست و من، غرّه فرزندی‌اش. مادرم، خود خود بهشت است. بهشتی از آرامش و بخشش. به گمانم همه مادران سرزمینم و همه مادران جهان، چنین‌اند. در خانه‌ای که مادر نفس می‌کشد، گلی پژمرده نمی‌شود؛ دلی دلخسته نمی‌شود؛ چراغ آن خانه، روشن است. تنور عشق، گرم است. از همه جا و همه چیز و همه کس که نا امید می‌شوی، مادر هست. یا خودش هست یا یادش. دختری را می‌شناسم که مادر از دست داده است. می‌گوید: هر سال، روز مادر که می‌شود، حسودترین دختر جهان می‌شوم. جهانم بی‌الف است و با تشدید. جهنمی است دنیای بی‌مادر و من از این دنیا می‌ترسم. بعضی از ما، از آب و گل که نداری، آیم؛ غرق در زندگی و روزمرگی می‌شویم؛ گاهی هم فکر می‌کنیم که برای خودمان کسی شده‌ایم. فکر می‌کنیم که خبری نشده است. اینجاست که دیگر هیچ وقت خالی‌ای برای مادرمان نداریم. دور می‌شویم و پشت سرمان را هم نگاه نمی‌کنیم؛ دوست، برایمان عزیزتر از مادر می‌شود. کار، برایمان مهم‌تر از مادر می‌شود؛ فرزند، برایمان اولویت بیشتری از مادر پیدا می‌کند و به‌کلی سال‌های سال مادر بی‌دریغ مادرمان را از یاد می‌بریم؛ وقتی همه چیزمان را از دست می‌دهیم، دوباره یاد مادر می‌آقیم و مادر، همیشه مادر است؛ آغوش، همیشه به رومیان باز است؛ مادر، همیشه مادری می‌کند؛ حتی با دلی خسته و با قلبی شکسته دلش برای تو می‌تپد. مادر، آسان می‌بخشد. مادر، سبیل می‌گذرد. سرمان را که روی دامنش می‌گذاریم، می‌بینیم بی‌هیچ کینه، باز، مادر است. باز آغوشش برایمان گشوده است؛ حتی اگر از زده باشد. مادر از وقتی می‌شود فهمید که مادر شده باشی. آن زمان است که درک می‌کنی در دل مادرت چه گذشت وقتی غایت را نمی‌خوردی؛ وقتی قد نمی‌کشیدی؛ وقتی با دوستت قهر می‌کردی و انبوهی اندوهت را بر دل و جان‌ش هوار می‌کردی؛ وقتی زمین می‌خوردی؛ وقتی تب داشتی و آن هنگام که در مار و پله زندگی از روزگار نیش می‌خوردی؛ پس دلت تنگ می‌شود برای کیسه بوکس و ضربه‌گیر و پشتیبان تمام سال‌های فرزندی و نافرزندی‌ات و دنیا می‌چرخد و می‌چرخد و این دور شگفت‌انگیز زندگی، این بار نقش مادر را به تو می‌دهد و فرزندی، که نسخه هر روز رسانی‌اش شده از خود تو است؛ و رسالت تو آغاز می‌شود. کاریکاتور «مهر مادری»، که در برلین جایزه بهترین کاریکاتور را از آن خود کرد، تصویر مرغی سرخ شده بود که بر روی دیمی از برنج قرار داشت و پایین میز جوجه‌هایی بودند. مرغ داخل دیس، با پاهایش داشت برنج برای جوجه‌هایش می‌ریخت. این کاریکاتوری بی‌همتا شعر زیبای «ای وای مادرم» از استاد شهریار را به خاطرم آورد که ز زیباترین مدرانه سرایی‌های پارسی است: « آهسته باز از بغل بله‌ها گذشت؛ در فکر اش و سیزی بیمار خویش بود؛/اما گرفته دور و برش هاله‌ای ز نور، او مرده است و پرستار حل ماست/ در زندگی ما، همه جا جاول می‌خورد؛ هر کنج خانه، صحنه‌ای از داستان اوست/ بیچاره مادرم..، نه او نمرده است..،/ او فکر چپ‌هاست.. / هر جاشده هویج هم امروز می‌خرد..،/ نه او نمرده است/می‌شوم من صدای او..،/دیشب لحاف ر د شده بر روی من کشید..،/ در نصفه‌های شب، یک خواب سهمناک و پریدم به حال تب/ نزدیک‌های صبح / او زیر پای من / اینجا نشسته بود/ آهسته با خدا راز و نیاز داشت / نه او نمرده است..،/ میراث شاعرانه من هر چه هست از اوست..،/ ای وای مادر.</p> <p><b>منبع: خبر آنلاین</b></p>

اخبار کوتاه

**برگزاری چهارمین پوش مردمی**

**آزادی مادران زندانی**

همزمان با ایام ولادت حضرت زهرا (س) و روز زن، چهارمین پوش مردمی آزادی مادران زندانی در برج آزادی بر گزار شد.
به گزارش روابط عمسو برج آزادی، چهارمین پوش آزادی مادران زندانی به میزبانی بنیاد رودکی، برج آزادی، شهرداری منطقه ۵، قوه قضاییه و موسسه هنرمندان پیشکسوت بود.
در این رویداد رئیس برج آزادی، شهردار منطقه ۵، مشاور شهردار تهران و مدیرکل امور بانوان، معاون دادستان در امور زندان‌ها، مدیرکل زندان‌های استان تهران، رییس مرکز خدمات اجتماعی سازمان زندان‌ها، قاضی ناظر زندان زنان، مدیرعامل موسسه هنرمندان پیشکسوت و جمعی از مقامات و مدیران شهری حضور داشتند.

ایسن رویداد با حضور جمعی از مادران شهدا و ایثارگران، هنرمندان و ورزشکاران برگزار شد.

نقالی مرشد میرزاعلی، شعر خوانی استاد حمید عسگری و اجرای زنده مصطفی راغب دیگر بخش‌های این برنامه بود.

لازم به ذکر است که در این رویداد، تابلوها و آثار هنری فاخر و ارزشمندی توسط خیرین، خریداری و مبالغ آن صرف آزادی مادران زندانی شد.
بیش از ۳۵ میلیارد ریال در چهارمین پوش آزادی مادران زندانی جمع‌آوری شد.

**سنت‌شکنی «گلدن گلوب» به ضررش تمام شد**

تعداد مخاطبان تلویزیونی مراسم اهدای جوایز «گلندن گلوب ۲۰۲۳» در مقایسه با دو سال گذشته با ۹ درصد کاهش مواجه شد.

به گزارش ایسنا و به نقل از رویترز، حدود ۶.۳ میلیون بیننده مراسم اهدای جوایز «گلدن گلوب ۲۰۲۳» را از شبکه «ان بی سی» تماشا کردند و آمار مخاطبان تلویزیونی این مراسم به نسبت دو سال گذشته با ۹ درصد کاهش همراه شد.

در دوره گلدن گلوب ۲۰۲۱، ۶.۹ میلیون بیننده این مراسم را تماشا کردند.
سال گذشته هم به دلیل مجموعه‌ای از انتقادها به انجمن مطبوعات خارجی هالیوود (HFPA) (انجمن رای‌دهنده برندگان گلدن گلوب) درباره نبود تنوع نژادی در این نهاد، مراسم اهدای جوایز «گلدن گلوب» بخش تلویزیونی نداشت.

اما مراسم امسال گلدن گلوب به‌رغم سنت همیشگی به جای یکشنبه در شامگاه سه‌شنبه برگزار شد تا با فاصل لیگ میز فوتبال آمریکایی تداخل نداشته باشد و این یکی از دلایل کاهش تعداد بیننده می‌تواند تلقی شود.
هرچند آمار مربوط به بخش تلویزیونی تمام مراسم‌های اهدای جوایز هالیوود در سال‌های اخیر با افت همراه بوده است.

در ژانویه سال ۲۰۲۰، مراسم گلدن گلوب ۱۸.۳ میلیون بیننده تلویزیونی داشت.
مراسم سال ۲۰۲۱ گلدن گلوب تحت تاثیر همه‌گیری ویروس کرونا قرار گرفت و بسیاری از نامزدهای دریافت جایزه به صورت ویدئویی در مراسم شرکت کردند.

انجمن مطبوعات خارجی هالیوود در سال ۲۰۲۱ هیچ عضو خبرنگاری سیاهپوستی نداشت و پس از اینکه این نهاد تنوع نژادی در بین اعضا را اصلاح و تغییرات دیگری را اعمال کرد، شبکه «ان بی سی» برای بخش مراسم گلدن گلوب سال ۲۰۲۳ بر اساس قرارداد یک ساله توافق کرد.

**افسانه‌های کُردی کتاب شد**

سه کتاب از مجموعه «قصه‌ها و افسانه‌های ایرانی» با عنوان‌های «افسانه‌های کردی»، «افسانه‌های خراسانی» و «افسانه‌های ترکمن صحرا» منتشر شدند.
به گزارش ایسنا، در معرفی این مجموعه عنوان شده است: ایران سرزمینی گسترده است که از تنوع قومی و نژادی فراوانی برخوردار است و همین امر موجب وجود انواع افسانه‌ها در میان اقوام ایرانی است. هر افسانه می‌تواند بخشی از حیات فرهنگی و جلوه‌ای از نوع تفکر و نگاه اقوام مختلف ایران به زندگی باشد.

افسانه‌های هر ملت، میراث معنوی آن ملت است که به صورت سینه به سینه و در قالب ادبیات شفاهی منتقل شده است. افسانه‌های ایرانی، بخش عظیمی از فولکلور غنی ما را تشکیل می‌دهد و قرن‌هاست که زندگی و آداب و رسوم جامعه ما ایرانیان با هزاران افسانه و قصه آمیخته است.

این مجموعه با بازنویسی شهنواز آذرنشین و با تصویرگری ساناز کریمی طاری، با شمارگان ۱۰۰۰ نسخه در واحد کودک موسسه نشر و تحقیقات ذکر منتشر شده است.

«افسانه‌های کردی» در ۲۰۸ صفحه و با قیمت ۵۹ هزار تومان، «افسانه‌های خراسان» در ۱۱۲ صفحه و با قیمت ۳۸ هزار تومان و «افسانه‌های ترکمن صحرا» در ۱۰۸ صفحه و با قیمت ۳۶ هزار تومان عرضه شده‌اند.